اوایل دهه ۷۰ به طور جدی به نوشتن داستان کوتاه پرداخت. مجموعه داستان "صلح"، داستان کوتاه "نور کافی"، رمان "جنگی بود، جنگی نبود"، مجموعه داستان "طعم باروت" و مجموعه داستان "نفر سوم از سمت چپ" محصول تلاش های او در زمینه داستان نویسی در دهه گذشته است. وی در سال ۱۳۸۰ رمان "ضیافت به صرف گلوله" و در سال ۸۴ مجموعه داستان "سه دختر گل فروش" را به چاپ رساند و رمان "باغ تلو" و مجموعه داستان "گوساله سرگردان" نیز از جمله کتابهای وی است.

"سه دختر گل فروش" مجموعه ۲۷ داستان کوتاهی است از روزگار جنگ و پس از آن که همواره به عنوان دغدغه ذهنی و خاطره تلخ یا شیرین در دایره ذهنی تمام سربازان جنگ یا نویسندگان جنگ موج می زند. داستان جنگ، پایان جنگ، سرنوشت بچه های جنگ که دیگر سرنوشتی ندارند و به هیچ کاری دل خوش نمی کنند و با رؤیاها و خاطرات جنگ به خواب می روند و از بستر بر می خیزند، از موضوعات این مجموعه است. مجموعه سه دختر گلفروش در ۲۶۷ صفحه توسط نشر سوره مهر نخستین بار در سال ۱۳۸۴ منتشر شد.

۶-عشق سال های جنگ؛ حسین فتاحی

حسین فتاحی متولد ۱۳۳۶ یزد، دارای مدرک کارشناسی در رشته حسابداری است. فتاحی در ۳ حوزه تألیف، ترجمه و بازنویسی آثار کلاسیک فارسی برای کودکان و نوجوانان آثار متعددی منتشر کرده که "آتش در خرمن" و "پسران جزیره" در زمینه ادبیات پایداری است و دیگر "عشق سالهای جنگ" است. "پری نخلستان ها"، "مدرسه انقلاب"، "کودک و توفان"، "امیر کوچولوی هشتم" و بازنویسی "قصه های شاهنامه" و "سمک عیار" از دیگر آثار اوست. وی "قصه های مزرعه سیب" را نیز ترجمه کرده و دبیر دومین جایزه دفاع مقدس بوده است.

رمان «عشق سال های جنگ» چاپ اول آن سال ۱۳۷۳ و چاپ ششم سال ۱۳۸۱ توسط انتشارات قدیانی در ۳۶۳ صفحه و ۲۶ فصل منتشر شد. حسین فتاحی در رمان «عشق و سال های جنگ» تمام قدرت احساس و درک خود را برای به تصویر کشیدن گوشه ای از حوادث جنگ ایران و عراق به گونه ای به کار گرفته است که در آن به مسئلهٔ عشق، دلدادگی، جنگ و دلمردگی نگاهی خاص و ویژه دارد و دیگر مسائل را به حاشیه برده است. حدیث عشق، حدیثی مکرر از زندگی آدم هاست که در تمام روزگار و برای همهٔ آدم ها دلچسب و جذاب بوده است. مضمون اصلی رمان، آن چنان که از نامش پیداست، عشق و دلدادگی است. همین مضمون سبب شده است تا اثر مذکور مورد استقبال خوانندگان قرار گیرد. نرگس، دختر تحصیل کرده کرمانشاهی که نشان کردهٔ پسر عمهٔ پزشکش است به حمید که تحصیل کرده، مرد ایمان و انقلاب است دل می بندد. پسر عمه اش اردلان و خانواده اش در اوج درگیری های منطقه به خواستگاری نرگس می آیند. نرگس با غیبت از مجلس خواستگاری و وصلت با حمید محمدی، تخم کینه را در دل اردلان می کارد، رابطه ها به تیرگی می گراید و اردلان جز به دشمنی و انتقام نمی اندیشد، انتقامی که مرگش را رقم می زند. حمید بعد از یک درگیری و عملیات فرار، در سپاه خوش می درخشد و نامش بر سر زبان ها می افتد و به وساطت دوستش هادی به خواستگاری نرگس می رود. پدر نرگس به رغم مخالفت قلبی اش به وصلت نرگس و اردلان رضایت می دهد. هنگام مجلس عقد حمید و نرگس، هادی که دنبال عاقد رفته است ترور می شود و یک چشم و دو دست خود را از دست می دهد. او به زودی خانه نشین شده و یأس و نومیدی بر او غالب می شود...

اگر بخواهیم سیر خاصی برای روایت شکل گرفته در رمان «عشق و سال های جنگ» جست و جو کنیم باید بگوییم در این رمان سیر فرو ریختن و جست و جوی هویت جدید، سیری آشکار و نمایان است. در واقع در این سیر همهٔ شخصیت ها در اثر رویدادهایی که به نظر می رسد عظیم و خارج از طاقت بشری هستند، فرو می ریزند و در مرحله ای دیگر سعی می کنند خود را بازیابند و معمولاً در این مسیر نیز موفق می شوند. آنها ققنوس وار بر خاکستر هستی پیشین خود می ایستند و حیات جدیدی را آغاز می کنند. به عبارتی رمان از فرمول همیشگی بسیاری از داستان های معاصر، یعنی فرمول نظم- بی نظمی پیروی می کند. به همین دلیل می توان پایان این رمان را از نوع رمان های با پایان خوش به شمار آورد. در واقع فتاحی با توجه به کل ساختار داستان در پایان خود را ملزم می بیند که شخصیت ها را به سر و سامانی برساند و پاسخی رضایت بخش به انتظار خواننده بدهد. به همین دلیل نیز خود روی اردلان را در دره می اندازد و هم زمان حمید و نرگس را به خوشبختی می رساند.

۷-عشق و نفرت؛ نعمت ا... سلیمانی

داستان بلند «عشق و نفرت» نوشتهٔ نعمت ا... سلیمانی، سال ۱۳۸۳ در ۳۰۰۰ نسخه و ۳۴۳ صفحه به قیمت ۱۵۰۰ تومان، توسط مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه منتشر شد. سلیمانی دربارهٔ کتابش این گونه می نویسد: مطالعهٔ گزارش های دو شهید بزرگوار سید ناصر سید نور و محمد سالمی، از سوی این جانب منجر به آفرینش یک داستان بلند به نام «عشق و نفرت» شد. داستان از آن جا آغاز می شود که عده ای از نیروهای زبدهٔ اطلاعات عملیات سپاه با عنوان جهادسازندگی و زیرپوشش مزرعهٔ آزمایشی نمونه، در کنار هورالعظیم قرارگاهی برپا کرده اند. دو روز پیش قرارگاه آنها که توسط یکی از زبده ترین مأموران استخبارات دشمن شناسایی شده بود، در دل شب گلوله باران شد و از بین رفت، اما آن ها به موقع مطلع شده و آن جا را تخلیه کرده بودند. قرارگاه جدید در محل دیگری در کنار هور برپا شده است. بهنام و سید قاسم از فرماندهان قرارگاه در فکر دستگیری دیده بان زیرک و مکار دشمن هستند. خضیر و حمزه، دو برادر دوقلو و کاملاً شبیه به هم هر دو از دانشکدهٔ افسری بغداد فارغ التحصیل شده اند. اولی (خضیر) مأمور ویژهٔ استخبارات عراق بسیار مکار، قسی القلب و فاسد و دومی (حمزه) سه سال پیش از راه هور به ایران می گریزد و به همراه نیروهای اطلاعات عملیات مشغول شناسایی است. او هر دو هور را مثل کف دست می شناسد. دو سه روز دیگر قرار است چند نفر از نیروها، به همراه حمزه، برای شناسایی انتقالات جدید دشمن در هور و شهر ساحلی القرنه، به سوی عمق چهل کیلومتری دشمن عزیمت